



## چهار مدل دیپلماسی ایران پس از انقلاب/موسویان: ماجراجویی و حمله به تیم مذاکره‌کننده به مصلحت کشور نیست

عضو تیم پیشین هسته ای کشورمان در گفتگو با ماهنامه تربیت چند مدل دیپلماسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

تاریخ: ۰۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۲۰:۳۰

کد خبر: ۲۶۴۶۵۷

عضو تیم پیشین هسته ای کشورمان در گفتگو با ماهنامه تربیت چند مدل دیپلماسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

به گزارش انتخاب، سیدحسین موسویان، عضو ارشد تیم پیشین هسته ای کشورمان، محقق و مدرس در دانشگاه پرینستون آمریکا در گفتگویی با ماهنامه تربیت، ضمن تشریح چهار نوع دیپلماسی ایران بعد از انقلاب، دستاوردهای برجسته را مورد بررسی قرار داده است:

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در خرداد ماه سال ۱۳۹۲ بحث سیاست خارجی یکی از اصلی‌ترین مسائلی بود که کشور با آن روبرو شد تا قبل از آن وقتی به کوچه و بازار می‌رفتید کمتر کسی را می‌دیدید که در مورد سیاست خارجی و مسائل روابط بین الملل حرف بزند و عمدتاً صحبت‌ها حول محور مسائل اقتصادی بود. اما در این دوران یکی از جذاب‌ترین بحث‌ها در سطوح مختلف اجتماعی مسائل پیرامون سیاست خارجی بود.

به عقیده بسیاری از کارشناسان موضوع هسته‌ای و حل و فصل آن اصلی‌ترین هدف دولت تدبیر و امید بود و در بخش‌های مختلف اجتماعی نیز این مسئله به صورت ملموس دیده می‌شد که همگان به دنبال آن هستند که نتیجه کار را ببینند. مذاکرات در نهایت به نتیجه رسید و کار به سمتی رفت که حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای به رسمیت شناخته شد و تحریم‌های ظالمانه علیه ایران در موضوع هسته‌ای نیز لغو شد.

این اتفاق تأثیرات مهمی در جامعه ایران گذاشت و بخش‌های مختلفی از جامعه به مباحث سیاست خارجی علاقه‌مند شدند و به دنبال آن رفتند که آگاهی خود را در این زمینه بالا ببرند. پیگیری اخبار و مطالعه کتاب‌های مختلف در این زمینه یکی از اتفاقاتی بود که بخشی از جامعه به سراغ آن رفت و این‌ها ابزارهایی شد در زمینه کسب آگاهی.

کتاب «آقای سفیر» که گفتگوی مفصلی با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه محبوب کشورمان است، به سرعت جزو کتاب‌های پر فروش کشور شد. این کتاب بیوگرافی کاملی از محمدجواد ظریف است که دوره‌های مختلف زندگی او را چه در دوران کودکی، دوران تحصیل در آمریکا و سوابق و تجربیات مختلف وی در دیپلماسی کشور را شامل می‌شود. این کتاب مخاطبان زیادی را به خود جذب کرد و خیلی‌ها برای مطالعه در زمینه سیاست خارجی به سراغ آن رفتند تا هم در مورد چهره محبوب این سال‌های کشور بیشتر بدانند و هم اطلاعات خود را در مورد سیاست خارجی افزایش دهند.

رجوع به اخبار و تحلیل‌های مختلف در این زمینه از دیگر اقداماتی بود که علاقه‌مندان به این حوزه به سراغش رفتند. تعداد زیادی از سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی اخبار و تحلیل‌های مختلفی را برای مخاطبان خود آماده کرده و چهره‌های دانشگاهی و باتجربه در این حوزه نیز تحلیل‌های خود را به مخاطبان عرضه می‌کردند. یکی از این افراد دیپلمات با سابقه کشورمان سید حسین موسویان است. او در مقالات مختلف به ابعاد مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخت و در مناظره‌های متعدد و شرکت در جلسات پیاپی مواضع جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پرونده هسته‌ای و مذاکرات را بیان و تحلیل می‌کرد. تقریباً می‌توان گفت موسویان تنها فردی بود که بیرون از ساختار وزارت خارجه به مسائل پیرامون پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات می‌پرداخت و از آن دفاع می‌کرد.

موسویان متولد سال 1336 در کاشان است. او سال‌های ابتدایی زندگی‌اش را در کاشان گذراند و در سال 1355 برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سکرمنتو شد، و در حالی که یک ترم به پایان تحصیلات او مانده بود با پیروزی انقلاب ایران (۱۳۵۷) به ایران بازگشت. او نخستین رئیس جهاد سازندگی کاشان بود. در سال ۱۳۶۰ به حکم آیت‌الله بهشتی مسئولیت تهران تایمز را که پیشتر در اختیار صادق قطب‌زاده بود برعهده گرفت که این مسئولیت تا سال ۱۳۶۹ ادامه یافت. او همچنین از بنیانگذاران روزنامه رسالت در سال ۱۳۶۴ بود و تا سال ۱۳۶۹ عضو شورای مرکزی این روزنامه بود.

موسویان همزمان در سال ۱۳۶۱ در راه‌اندازی سازمان تبلیغات اسلامی فعال بود و مسئولیت مرکز احیای اندیشه‌های اسلامی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را هم در سال ۱۳۶۲ بر عهده گرفت.

در سال ۱۳۶۴، از سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به سمت مدیرکل امور مالی و اداری، سرپرست ادارات کل و رئیس سازمان اداری مجلس منصوب شد و تا سال ۱۳۶۷ این مقام را بر عهده داشت. در همین سال به وزارت خارجه رفت و به ریاست اداره اول غرب اروپا منصوب شد. یک سال بعد علی‌اکبر ولایتی او را به مدیرکل غرب اروپا ارتقا مقام داد.

موسویان در سال 69 به عنوان نخستین سفیر ایران به آلمان رفت. با شروع مناقشه هسته‌ای ایران در اواخر دهه هفتاد زمانی که دکتر حسن روحانی مسئولیت پرونده هسته‌ای ایران را بر عهده داشت موسویان را به عنوان رئیس کمیته بین‌الملل به همکاری دعوت کرد. وی عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بود و سخنگوی هیئت ایرانی به شمار می‌رفت. با شروع کار دولت محمود احمدی‌نژاد و پس از پایان کار تیم قبلی مذاکره‌کنندگان، مسئولیت موسویان نیز به پایان رسید.

این دیپلمات برجسته کشورمان علاوه بر آنکه سوابق مختلفی در بخش‌های گوناگون سیاسی کشور داشته، کتاب‌های متعددی نیز در زمینه سیاست خارجی نوشته است. امام خمینی: زندگی و رهبری او، متفکران اسلامی آلمان، روابط ایران و آلمان (1990-1997)، حقوق بشر: روندها و نظرات، پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، چالش‌های روابط ایران و غرب، بحران هسته‌ای ایران: یک خاطره، ایران و آمریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر صلح. این‌ها عناوین کتاب‌هایی است که موسویان آنها را تألیف کرده است. او در حال حاضر در دانشگاه پرینستون آمریکا به عنوان پژوهشگر فعالیت می‌کند و به عنوان یک پژوهشگر برجسته شناخته می‌شود.

ماهنامه تربیت سیاسی اجتماعی در دوره‌های مختلفی تلاش کرد که با حسین موسویان پیرامون مسائل مختلف سیاست خارجی ایران گفتگویی انجام دهد که به علت مشغله زیاد وی این فرصت حاصل نمی‌شد. اما این بار در ویژه‌نامه پایان سال 94 توانستیم پیرامون مسائل مختلف سیاست خارجی گفتگویی کوتاهی با او داشته باشیم. در گفتگویی که در ادامه خواهد آمد پیرامون مسائل مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف، پرونده هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای نکات بسیار مهمی آمده است که می‌تواند به دغدغه مخاطبان فرهنگی ما پیرامون مسائل سیاست خارجی پاسخ‌های خوبی ارائه کند.

## **اگر بخواهید سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دوره‌بندی کنید به چه دوره‌هایی اشاره خواهید کرد؟ شاخصه‌ها و ممیزه‌های هر دوره را چه می‌دانید؟**

به نظر من می‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به چند دوره اصلی تقسیم بندی کرد:

دوره اول: دوران «سیاست خارجی جنگ تحمیلی» یعنی از 1360 تا 1368 است که سیاست خارجی ایران تحت تأثیر جنگ بود. در آن مقطع قدرت‌های شرق و غرب و همسایه‌های عرب ما به رهبری عربستان از صدام متجاوز حمایت کردند و جمهوری اسلامی ایران گرفتار یک «غربت ناخواسته» شد. من اسم این دوران را «دوران دیپلماسی جنگ» می‌گذارم. در این دوره قدرت مانور دیپلماسی ما محدود بود، ایران واقعا مظلوم و غریب بود و دشمنانش هم زیاد. سرنوشت دیپلماسی در این دوران در جبهه‌های جنگ مشخص می‌شد و غیر این هم ممکن نبود. هدف متجاوزین تجزیه ایران بود که با رهبری امام خمینی (ره) و شهادت و مجروح شدن ده‌ها هزار مجاهد مخلص، تمامیت ارضی ایران حفظ شد و دشمن مجبور به ترک خاک ایران شد. شورای امنیت سازمان ملل زمانی قطعنامه آتش بس صادر کرد که قدرت‌های بزرگ از تجزیه و شکست ایران ناامید و نگران شکست صدام شدند. نقش رهبری امام (ره)، فداکاری‌های سپاه، ارتش و بسیج، مردم و دولت در تاریخ ایران، بعنوان نقشی ستودنی ثبت خواهد شد.

دوره دوم: «سیاست خارجی دوران سازندگی» است. این دوران بعد از رحلت امام و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و با ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز شد. استراتژی جمهوری اسلامی در این دوره رفع تنشج در روابط خارجی و احیاء حداکثری روابط با کشورها بود. جمهوری اسلامی در این دوره

توانست روابط با بلوک شرق را احیاء کند و در روابط با بلوک غرب منهای آمریکا رفع تنشج کند. کشور بعد از جنگ با صدها شهر و روستای تخریب شده، هزاران طرح و پروژه بمباران شده، حدود دومیلیون آواره داخلی، بیش از 5/1 میلیون آواره خارجی و بدتر از همه خزانه خالی مواجه بود. منهای حب و بغضهای سیاسی داخلی، تاریخ ایران از رهبری معظم انقلاب و آقای هاشمی در این دوران به نیکی یاد خواهد کرد که ایران را از زیر آواری از خاکستر جنگ نجات دادند. استراتژی «سیاست خارجی دوران سازندگی» هم موفق و عامل مهمی در صعود مجدد ایران شد.

معتقدم که سیاست خارجی دوران اصلاحات ادامه همان سیاست خارجی دوران سازندگی بود منتهی اقبال جهانی نسبت به ایران در مجموع مثبت تر شده بود و لذا پیشرفت در تنشج زدایی و تکثیر کشورهای دوست و کاهش کشورهای دشمن نیز آسان تر بود.

دوره سوم: «دوره سیاست خارجی تقابلی یا تهاجمی» بود که جمهوری اسلامی در دوران جناب دکتر احمدی نژاد تجربه کرد. زمینه ظهور این سیاست خارجی هم این بود که جناحی معتقد بودند که دو دولت سازندگی و اصلاحات دچار وادادگی در سیاست خارجی بوده اند و باید با سیاست تهاجمی عزت در سیاست خارجی را زنده کرد. نمونه زنده مورد جنجال هم بحث هسته ای بود. جناب احمدی نژاد و بسیاری در داخل واقعا فکر می کردند که تهدید ارجاع پرونده به شورای امنیت بلوف است و مذاکره کنندگان دولت قبل مرعوب خالی بندی ها و بلوف های غربی ها شده و اگر بدون توافق جهانی، قطعنامه های آژانس بین المللی انرژی اتمی را نقض کنیم و غنی سازی را شروع کنیم، آمریکا و اروپا و شورای امنیت هم هیچ غلطی نخواهند توانست بکنند و پرونده هم به شورای امنیت نخواهد رفت. بعد هم معتقد بودند که اگر پرونده هم به شورای امنیت برود، قطعاً تحریم نخواهیم شد چون روسیه و چین وتو خواهند کرد.

براساس سیاست خارجی تهاجمی آغاز شد، غنی سازی آغاز شد، پرونده هم بلافاصله به شورای امنیت رفت، فوراً هم تحریم شدیم، چین و روسیه و همه دوستان ایران هم علیه ایران رای دادند و سخت ترین و جامع ترین تحریم های تاریخ علیه ایران در قالب تحریم های سه گانه سازمان ملل و چند جانبه و یک جانبه تصویب و اعمال شد.

در این دوران روابط خارجی ما به دوران اول که دوران جنگ بود، نزدیک شد. منتهی این بار ناخواسته نبود. جنگ به ایران تحمیل شد و استراتژی ما ناخواسته تقابلی بود. اما استراتژی هسته ای در هر دوره ای را خودمان تصمیم می گرفتیم. بهرحال در این دوره دشمنی ها در روابط خارجی به حداکثر رسید، کشورهای دوست شدیداً کاهش یافت و خسارت اقتصادی ایران هم مشابه دوران جنگ تحمیلی بود. برآورد خسارت در دوران جنگ تحمیلی حدود 500-600 میلیارد دلار بود و در دوران تحریم های سه گانه جهانی زمان جناب احمدی نژاد هم طبق برآورد وزارت خزانه داری آمریکا، 500 میلیارد دلار خسارت به ایران وارد شد.

دوره چهارم: «دوره سیاست خارجی تعاملی» است که با انتخابات ریاست جمهوری جناب دکتر روحانی آغاز شد، موتور این استراتژی با توافق هسته ای روشن شده و در حال حرکت است. در این دوره خشم صهیونیست و اعراب وهابی از برجام، خروج ایران از انزوا، رفع تحریم ها و صف کشیدن سران کشورها برای سفر به تهران و قراردادهای صنعتی و اقتصادی میلیارد دلاری به اوج رسیده است. با این وجود این هم سهمگین ترین چالش سیاست خارجی دولت دکتر روحانی خواهد بود زیرا که هم رقبای منطقه ای ایران بویژه اسرائیل و عربستان معتقدند که این روند ایران را به قدرت مسلط منطقه تبدیل خواهد کرد و هم برخی جناح ها در داخل معتقدند که این توافق و این نوع سیاست خارجی، خیانت است.

**جمهوری اسلامی هم آرمان های اعتقادی و ایدئولوژیک داشته و دارد و هم منافع ملی به مفهوم رایج آن. آیا شما تقسیم بندی فوق را قبول دارید؟ مکانیسم تامین همزمان این دو دسته اهداف از نظر شما چیست؟**

صادقانه بگویم این حقیقتی است که گریبان گیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در 37 سال گذشته بوده و همه دولت ها هم با آن مواجه بوده اند. از نظر من نظام جمهوری اسلامی همچنان با این پدیده مواجه است و هنوز نتوانسته بین آرمان های ایدئولوژیک و منافع ملی یکی را انتخاب کند.

در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر و مجری کدامند؟ آیا آمد و رفت دولت ها بر حوزه سیاست خارجی نظام تاثیر جدی دارد یا این که حوزه سیاست خارجی در سطحی فراتر از دولت ها تعیین و اجرایی می شود؟

مقام معظم رهبری در راس تصمیمات سیاست خارجی ایران هستند. شورای عالی امنیت ملی مهم ترین مرجع بررسی و تصمیم گیری در موارد کلان سیاست خارجی و امنیت ملی است. وزارت خارجه دستگاه مسئول دیپلماسی است که باید سیاست های مورد نظرش را در شورای عالی مطرح کند. البته بخش

نظامی و امنیتی کشور تاثیر بسزایی در سیاست خارجی دارد که نظرات آنها هم باید در شورای عالی مطرح شود. تصمیمات شورای عالی هم نهایتاً باید به تأیید مقام معظم رهبری برسد. دولت‌ها بسیار در سیاست خارجی موثر هستند. دلیل آن هم ساده است. تفاوت سیاست خارجی در دوران دکتر روحانی و دکتر احمدی نژاد سند روشنی است برای اثبات اهمیت نقش دولت‌ها در سیاست خارجی ایران.

## مهم‌ترین دستاوردهای دولت و نظام جمهوری اسلامی را در حوزه سیاست خارجی در سال 94 کدام می‌دانید؟ در «برجام» توازن آنچه دادیم و آنچه از دست دادیم از نظر شما چگونه قابل ترسیم است؟

برجام بدون تردید بزرگ‌ترین دستاورد سیاست خارجی نظام بعد از جنگ تحمیلی است. در جنگ تحمیلی، ایران، دشمن با تمام حامیان جهانی‌اش را از خاک خود بیرون کرد و در برجام ایران توانست پرونده خود را از حلقوم شورای امنیت سازمان ملل سلامت بیرون کشیده و نظام تحریم جهانی علیه ایران را از هم بپاشاند. توافقی که حق بهره مندی از غنی سازی و آب سنگین و تکنولوژی‌های صلح آمیز هسته ای ایران را در عالی‌ترین سطح بین المللی تضمین کرد و ظالمانه‌ترین تحریم‌های تاریخ سیاسی ایران را هم برطرف کرد. این توافق جان تازه‌ای به اقتصاد ایران بخشید و روابط خارجی ایران را به بالاترین سطح بعد از انقلاب رساند.

در مقابل هم ما حداکثر شفافیت در برنامه هسته‌ای خود را پذیرفتیم. همچنین برای دوره‌ای برخی از محدودیت‌ها را نیز در دستور کار خود قرار دادیم. برای مثال برای دوره‌ای پذیرفتیم که غنی سازی زیر 5% انجام دهیم. حقیقت هم این بود که ما به غنی سازی بالای 5% احتیاج نداشتیم و در برنامه هسته‌ای ایران هم نبود. یا اینکه بازفرآوری پلوتونیوم که نداشته باشیم. در این مورد هم اساساً جمهوری اسلامی هیچ برنامه برای بازفرآوری پلوتونیوم نداشت.

## برخی از نیروهای سیاسی داخلی گمان می‌کنند که دستاورد برجام را باید یک شکست و اقدام به آن را حتی تا حد خیانت دانست. این نیروها با کدامین مقدمات غلط به این گونه قضاوت‌های نادرست می‌رسند و دولت دکتر روحانی برای اقناع و همراه کردن این جریان، چه باید بکند؟

این طرز تفکر همان دوره تفکر دوره سوم سیاست خارجی است که قبلاً تشریح کردم. به هر حال یک تفکر تحریم را نعمت می‌داند و یک تفکر تحریم را نکت می‌داند. یک تفکر از برداشته شدن تحریم‌ها ابراز تأسف می‌کند و یک تفکر ابراز خوشحالی. یک تفکر از کاهش خصومت در روابط با غرب خوشنود و یک تفکر ناراحت می‌شود. یک تفکر از بالا رفتن از دیوار سفارتخانه‌های خارجی شاد می‌شود و یک تفکر ناراحت. یک تفکر از اینکه قدرت‌های بزرگ جهانی بر سر یک میز با ایران بنشینند، احساس غرور می‌کند و یک تفکر احساس ذلت. این پدیده‌ای است که ما در 37 سال گذشته با آن مواجه بوده‌ایم. فرض را هم بر حسن نیت هردو طرز تفکر بگذاریم اما واقعیتی است که ما با آن در چند دهه گذشته مواجه بوده و در آینده هم خواهیم بود. این مردم هستند که باید انتخاب کنند و هزینه سود و زیان انتخاب خود را هم بپذیرند.

## آیا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ما شاهد دو گرایش همزمان هستیم؟ برخی بر این باورند که یک گروه در حال محکم کردن مناسبات ما با شرق هستند و گرایش به چین و روسیه و هند را مثال می‌زنند و گروهی دیگر با حل مسائل با غرب و اروپا، کفه سیاست خارجی را به سوی غرب سنگین کرده‌اند. آیا چنین دوگانگی واقعیت دارد یا این که همه را باید با هم دید و با هم تحلیل کرد؟

بله تا حدودی واقعیت دارد. اما هردو اشتباه است. سیاست نگاه به شرق یا نگاه به غرب را در همه ادوار سیاست خارجی از جمله بحث هسته‌ای داشته‌ایم. در موضوع هسته‌ای زمانی موفق شدیم که در قالب گروه 1+5 با همه قدرت‌های غربی و شرقی متوازن مذاکره کردیم. جمهوری اسلامی با سیاست نه شرقی و نه غربی ایجاد شد. یعنی عدم وابستگی به بلوک غرب و شرق. راه تحقق این تئوری هم رابطه خوب و متعادل با بلوک شرق و غرب است. دشمنی با یک بلوک یعنی ایران را به بلوک دیگر وابسته کردن. این اصل بسیار حیاتی در سیاست خارجی ایران است. استقلال سیاست خارجی ایران به دو شرط تحقق خواهد یافت: یکی اینکه ایران بتواند با هردو بلوک رابطه خوب و متوازن داشته باشد و دوم هم اینکه به مردم تکیه کند و نه به قدرت‌های خارجی.

## در رخدادهای منطقه‌ای از جمله در مناسبات ما با عربستان و با جنگ در عراق و سوریه و ... ، این واقعیت در حال خودنمایی است که جمهوری اسلامی هم بندریج در حال ورود به جنگی جدی در منطقه است. چشم انداز منطقه خاورمیانه و خلیج فارس از نظر شما چگونه است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید.

من چشم انداز خوبی نمی‌بینم. جمهوری اسلامی در حال ورود به جنگ نیست اما تلاش‌های برخی از

کشورهای خارجی از جمله عربستان و اسرائیل براین است که بنحوی ایران را درگیر جنگ کنند. با شناختی که از مقام معظم رهبری، دکتر روحانی، دکتر لاریجانی، دکتر ظریف، سردار شمخانی و فرماندهان نظامی کشور دارم، مطمئن هستم که در مورد این توطئه هشیار هستند. خاورمیانه وارد یک دوران بی ثباتی شده که به این زودیها هم حل نخواهد شد. امنیت ملی ایران هم حتما در مخاطره است. خطر افراط گرایی، فرقه گرایی، تروریسم تکفیری، بی ثباتی کشورهای هم مرز، قاچاق مواد مخدر و اسلحه و بسیاری از موارد دیگر تهدیدات جدی برای امنیت ملی ایران هستند.

متأسفانه در داخل هم شاهد افزایش تنشهای سیاسی جناحی هستیم بطوریکه موفقیت بزرگ و ستودنی نظام در مدیریت بحران هسته‌ای هم مورد مناقشه قرار می‌گیرد تا جایی که مذاکره کنندگان را خائن می‌خوانند. در حالی که سران قوا، مراجع تقلید و در راس همه مقام معظم رهبری مذاکره کنندگان را مورد ستایش مکرر قرار می‌دهند.

این پدیده خطرناکی است زیرا تقابل طرفین، ظرفیت نظام برای حل بحرانهای امنیت ملی در حوزه سیاست خارجی را بشدت کاهش می‌دهد. ما بیش از هر زمان به وحدت ملی بعنوان پشتوانه اصلی سیاست خارجی احتیاج داریم. باید با تدبیر از ماجراجویی بپرهیزیم. باید در شعارها و سخنرانیها و نوشته‌ها مراقب منافع ملی کشور باشیم. یک نفر یک حرفی زد که ایران اکنون چهار پایتخت عربی را در اختیار دارد و الان عربهای متخاصم شبانه روز در محافل جهانی از این حرف بعنوان سند سلطه طلبی منطقه‌ای ایران استفاده می‌کنند. شرایط ما بسیار حساس است و لذا بیش از هر زمان باید مراقب باشیم.